

نام و نام خانوادگی:
 مقطع و رشته: یازدهم ریاضی و تجربی و انسانی
 نام پدر:
 شماره داوطلب:

جمهوری اسلامی ایران
 اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران
 دبیرستان غیردولتی سرای دانش واحد فلسطین
 آزمون پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲

نام درس: نگارش ۲
 نام دبیر: مدنی
 تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۱۰/۲
 ساعت امتحان: ۸ صبح
 مدت امتحان: ۳۰ دقیقه

محل مهر و امضا: مدیر	نمره به عدد:	نمره به حروف:
	نمره تجدید نظر به عدد:	نمره به حروف:
نام دبیر:	نام دبیر:	تاریخ و امضا:
تاریخ و امضا:	تاریخ و امضا:	نام دبیر:
ردیف	سؤالات	نمره
۱	<p>یکی از ضرب المثل های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید</p> <p>الف. از کوزه همان برون تراود که در اوست</p> <p>ب. از این گوش می گیرد و از آن گوش در می کند</p>	۱
۲	<p>متن زیر را بخوانید و به پرسش ها پاسخ دهید</p> <p>چند دکان کوچک نانوائی، قصابی، عطاری، دو قهوه خانه و یک سلمانی که همه آنها برای سد جوع و رفع احتیاجات خیلی ابتدائی زندگی بود تشکیل میدان ورامین را میداد.</p> <p>یکطرف میدان درخت چنار کهنی بود که میان تنه اش پوک و ریخته بود، ولی با سماجت هرچه تمامتر شاخه های کج و کوله خود را گسترده بود و زیر سایه برگهای خاک آلودش یک سکوی پهن بزرگ زده بودند، که دو پسر بچه در آنجا به آواز رسا، شیربرنج و تخمه کدو میفروختند.</p> <p>تنها بنائی که جلب نظر میکرد برج معروف ورامین بود که نصف تنه استوانه ای ترک ترک آن با سر مخروطی پیدا بود. گنجشکهای که لای درز آجرهای ریخته آن لانه کرده بودند، نیز از شدت گرما خاموش بودند و چرت میزدند - فقط صدای ناله سگی فاصله بفاصله سکوت را میشکست.</p>	۲

این یک سگ اسکاتلندی بود که پوزه کاه‌دودی و بی‌هایش خال سیاه داشت و در ته چشم‌های او یک روح انسانی دیده میشد، در نیم‌شب‌ی که زندگی او را فراگرفته بود یک چیز بی‌پایان در چشم‌هایش موج میزد و پیامی با خود داشت که نمیشد آنرا دریافت، ولی پشت نی‌نی چشم او گیر کرده بود. آن نه روشنایی و نه رنگ بود، یک چیز دیگر باورنکردنی مثل همان چیزیکه در چشمان آهوی زخمی دیده میشود بود، نه تنها یک تشابه بین چشم‌های او و انسان وجود داشت بلکه یک نوع تساوی دیده میشد. - دو چشم میشی پر از درد و زجر و انتظار که فقط در پوزه یک سگ سرگردان ممکن است دیده شود. ولی بنظر می‌آید نگاه‌های دردناک پر از التماس او را کسی نمیدید و نمی‌فهمید! جلو دکان نانوايي پادو او را کتک میزد، جلو قصابی شاگردش باو سنگ میپراند، اگر زیر سایه اتومبیل پناه میبرد، لگد سنگین کفش میخ‌دار شوfer از او پذیرائی میکرد. و زمانیکه همه از آزار باو خسته میشدند، بچه شیربرنج فروش لذت مخصوصی از شکنجه او میبرد. در مقابل هر ناله‌ای که میکشید یک پاره‌سنگ بکمرش میخورد.

الف. آیا می‌توان متن بالا را آغاز داستانی دانست؟ دلیل خود را نام ببرید.

ب. مکان متن بالا را مشخص کنید و بنویسید توضیح زمان و مکان در نوشته چه کمکی می‌کند.

با یک توصیف غیر مستقیم عصبانیت یک شخصیت را به مخاطب نشان دهید.



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ...۶..... تهران
دبیرستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد..... فلسطین ...
کلید سؤالات پایان ترم نوبت دهم سال تمصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

نام درس: نگارش یازدهم
نام دبیر: مدنی
تاریخ امتحان: / ۱۴۰۲
ساعت امتحان: صبح / عصر
مدت امتحان: دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	بنا بر نظر مصحح معنای ضرب المثل و کاربرد آن یا داستانی درباره آن صحیح است.	
۲	الف. بله. زیرا از عناصر داستان مثل زمان و مکان و شخصیت و... برخوردار است. ب. مکان میدان ورامین. در افزایش جزییات و توصیفات و باورپذیری داستان کمک می کند	
۳	بنا بر نظر مصحح هر رفتار و گفتاری که نشان از عصبانیت دهد صحیح است	
جمع بارم : ۲۰ نمره		نام و نام خانوادگی مصحح : امضاء: